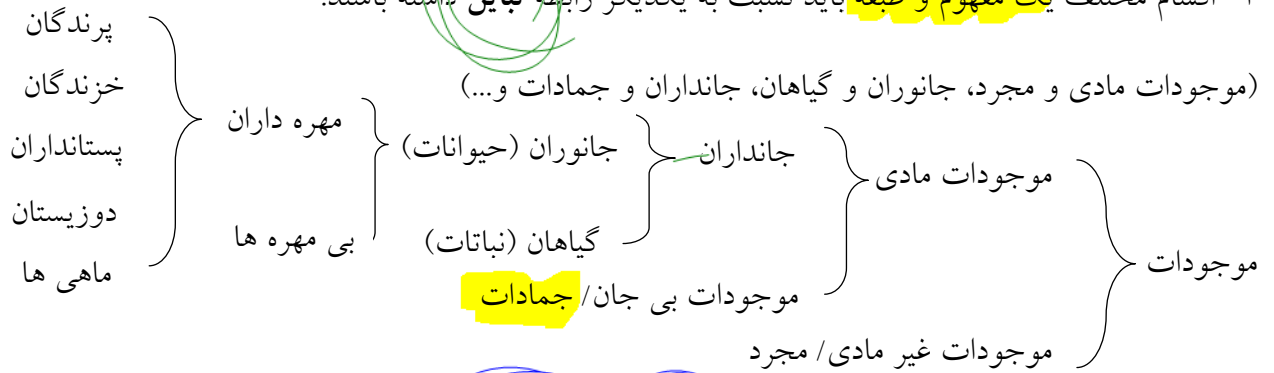


نقش نسبت های چهارگانه در طبقه بندی مفاهیم

۱- در دسته بندی ها از مفهوم عام به مفهوم خاص می چینیم: باید هر طبقه از مفاهیم نسبت به مفاهیم طبقه دیگر رابطه عموم و خصوص مطلق داشته باشند.

۲- اقسام مختلف یک مفهوم و طبقه باید نسبت به یکدیگر رابطه تباین داشته باشند.



✓ نکته: مفاهیم کلی و رابطه میان آنها در بحث تعریف و اقسام قضایا کاربرد دارد.

مفاهیم کلی ذاتی و عرضی (کلیات خمس)

الف- ذاتی و عرضی:

۱. ویژگی های اصلی یک شیء را «ذاتیات» آن می گویند یعنی تصور آن شیء بدون بعضی یا همه ویژگی های ذاتی، ممکن نیست. ذاتیات شیء، بیانگر هویت اصلی آن شیء هستند.

۲. سایر ویژگی های شیء را «عرضیات» آن شیء می نامند یعنی تصور شیء و آن ماهیت بدون این ویژگی ها ممکن است.

ب- تشخیص ذاتی و عرضی: این تشخیص، گاهی دشوار است و همواره ساده نیست. مثلاً پرواز کردن یا تخم گذار بودن ذاتی پرنده است یا عرضی؟

✓ نکته: تشخیص ذاتی و عرضی بودن یک خصوصیت برعهده منطق دان نیست ولی این که «خصوصیت ذاتی انسان چیست؟» یک پرسش منطقی است که نقش مهمی در رفتار ما دارد.

پ- کلیات خمس

۱- «جنس»: ویژگی کلی ذاتی مشترک میان چند شیء مختلف مانند حیوان (انسان، شتر و اسب) شکل (مثلث، دایره و مربع)

فلز (آهن، جیوه و سرب) سخن (شعر، نثر) بیماری (سل، وبا و حصبه) و ...

✓ نکته: عامل جدایی و امتیاز افراد یک جنس «فصل» است.

۲- «فصل»: ویژگی کلی ذاتی مختص یک شیء و ماهیت. مانند ناطق و متفکر بودن (برای انسان) **شبهه کشنده و صاهل** (برای اسب) کوهان دار (برای شتر) سه ضلعی (برای مثلث)

۳- «نوع»: ویژگی کلی ذاتی بیانگر گونه های مختلف یک جنس / مفهوم کلی ذاتی متشکل از جنس و فصل: انسان، مثلث، اسب
انسان : حیوان ناطق مثلث : شکل سه ضلعی اسب : حیوان شبهه کشنده

✓ **نکته**: عامل تمایز و اختلاف افراد یک «نوع»، امور و اوصاف **عرضی** است مثلاً انسان ها از نظر چاق و لاغر بودن / سیاه و سفید بودن / شاعر یا ورزشکار بودن و... از یک متفاوت می شوند.

۴- «عرض عام»: ویژگی کلی عرضی مشترک بیان چند شیء و نوع. مانند چاق ، سفید و بیمار بودن برای انسان.
✓ **نکته**: عرض عام، شبهه جنس است فقط جنس ویژگی ذاتی است و آن عرضی.

۵- «عرض خاص»: ویژگی کلی عرضی مخصوص یک نوع خاص ؛ مانند شاعر ، فیلسوف، کارمند بودن برای انسان / یک یا دو کوهانه بودن برای شتر / سه زاویه ای و متساوی الاضلاع بودن برای مثلث.

ذاتی و عرضی: یک ویژگی می تواند برای ماهیتی اتی ولی برای ماهیتی دیگر، عرضی باشد. (گرم و داغ بودن برای آتش، ذاتی ولی برای آب و خوراک عرضی است)

عرض خاص و عرض عام: یک ویژگی می تواند برای ماهیتی، عرض عام ولی برای ماهیتی دیگر، عرض خاص باشد. (سیاه و رنگ پذیر بودن برای جسم، عرض خاص

ولی برای حیوان، عرض عام است)

✓ **نکته**: **نسبی بودن مفاهیم**

صاحب بود برای خاص
انسان: عرض خاص

ولی برای حیوان، عرض عام است)

~ ضلعی : ذاتی

~ زاویه ای : عرضی (سه زاویه که با هم سه ضلع را

درس چهارم : اقسام و شرایط تعریف

مقدم: نقش و کاربرد تعریف (گستره و اهمیت تعریف): « سرآغاز جنگ انسان ها، جنگ واژه ها است»

۱- در زندگی روزمره و گفت و گوی انسان ها، تعریف مشترک موجب پرهیز از اختلاف و دعواست.

۲- کاربرد وسیع در علوم مختلف: تعریف علمی اصطلاحات تخصصی ← پرهیز از خطاهای ذهن با آموختن نحوه تعریف

درست

✓ نکته: گاهی ریشه اصلی اختلافات: مشخص نبودن مفاهیم / نداشتن تعریف دقیق

«تعریف»: مجموعه ای از تصورات معلوم برای کشف تصور مجهول. فراپند به چیست؟

(شناساندن یک چیز که می تواند متعلق به عالم زبان یا عالم ذهن یا عالم خارج باشد).

*اقسام تعریف: لغوی (لفظی)، از طریق ذکر مصادیق، مفهومی. ع + ا + ح : ترکیبی (مترادف در رد از اینها)

۱- تعریف لغوی (لفظی): بیان معنا یا معانی لغوی یک مفهوم یا نحوه شکل گیری لغوی آن (وجه تسمیه) یا بیان اختصاری.

در تعریف لغوی یا لفظی از لغات و اصطلاحات مترادف و آشنا برای شنونده استفاده می شود (تعریف به مترادف یا تعریف ریشه شناختی).
نامجا / ساواک

مثال:

- بهمن: مرکب از به (خوب و نیک) + من (نفس و اندیشه) = اندیشه نیک، فرشته ای آسمانی در دین ایران باستانی، نام ماه یازدهم سال خورشیدی.

- فردوس: معرب کلمه پارسی پردیس، به معنای باغ، بستان، بهشت / در انگلیسی پارادایز paradise

- ساواک: مخفف سازمان اطلاعات و امنیت کشور

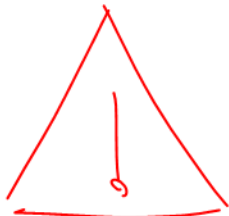
عینی / مصداقی

۲- تعریف از طریق ذکر مصادیق: همان تعریف با مثال یعنی با بیان نمونه ها یا تصاویری از نمونه ها. ع + ا + ح : ترکیبی

- بیماری ویروسی: بیماری های همچون سرماخوردگی، کرونا، آبله مرغان و اریون

- نبی: انسان هایی همچون حضرت ابراهیم، عیسی (ع) و حضرت محمد (ص)

- علائم رانندگی: تابلوهایی مانند         



✓ نکته: تعریف مصداقی (معرفی نمونه ها و مصادیق برای شناساندن امر مورد نظر) می تواند از طریق زبان (برشمردن نمونه

ها) و یا اشاره ای و بصورت عینی و محسوس باشد مثلاً در آموزش کودکان از طریق اشاره به یک شیء آن را نام می بریم.

۳- **تعریف مفهومی** : چون در این تعریف، به تحلیل مفهوم مورد نظر (بیان مندرجات یک چیز) می پردازیم، آن را «تعریف

صِوَان

مفهومی» می گویند.

*اقسام تعریف مفهومی :

مندرجاتی
مندرجاتی

الف. **تعریف عام و خاص** : در ابتدا یک مفهوم عام و مشترک می آوریم و سپس مفهوم خاص تر (یعنی ابتدا نام مجموعه بزرگ

تری که آن چیز در این چیز در آن واقع می شود بیان می شود و سپس با بیان یک ویژگی ، آن چیز را از باقی چیز های آن مجموعه، متمایز می سازند). مثال ها :

- قرآن : کتاب آسمانی نازل شده بر پیامبر اسلام (ص)

- رادیواکتیو : جسم دارای تشعشعات اتمی

- انسولین : دارویی برای درمان بیماری دیابت

- اسب : حیوان شیهه کشنده

- خفاش : پرواز کننده / بچه زا

مفهوم عام مفهوم خاص

ب: **سلسله اوصاف / خاصه مرکبه** : استفاده از چند ویژگی یک موضوع مانند: آب = مایع سیال بی رنگ بی بو.

یادمون باشه بین اجزای تعریف عام و خاص (نسبت عموم و خصوص مطلق) و بین اجزای تعریف سلسله اوصاف ، (نسبت عموم و خصوص من وجه) برقرار است.

✓ **نکته مهم** : اگر مفهوم خاص مورد نظر، امری ذاتی «فصل» باشد آن تعریف حدی (تعریف به حد) گویند و اگر مفهوم

خاص مورد نظر، امری غرضی باشد، آن را تعریف رسمی (تعریف به رسم) می گویند مانند:

انسان : حیوان متفکر انسان : حیوان نویسنده

عرض خاص : رسم عرض خاص : رسم

کُل سِلَّت

مقدار بی نهایت ~ صلی نه

✓ چند نکته:

۱. در تعریف لزوماً نیازی به بیان ذاتی یک شیء نیست. آنچه در تعریف اهمیت دارد، رعایت شرایط تعریف است، نه نوع تعریف. چرا که رویکرد کتاب منطق «منطق و تعریف» برای همه رشته هاست (اقتصاد، روان شناسی، جامعه شناسی و...) و تعریف ها معمولاً به «رسم» است و برای تمایز امور مورد بررسی.

۲. «تعریف» یک یا چند تصور است و نمی تواند بصورت «تصدیق» باشد.

۳. در تعریف به عام و خاص (مفهومی) — اگر از ذاتیت استفاده شود ← مفهوم عام: جنس

تعریف به حد {

← مفهوم خاص: فصل

تعریف به رسم {

— اگر از ذاتیت و عرضیات استفاده شود ← مفهوم عام: جنس

← مفهوم خاص: عرض خاص

۴. تعریف، بیان خصوصیات متمایز کننده یک مفهوم از مفاهیم دیگر است و تعریف مفهومی، اعم از تعریف حقیقی (به حد)

۴- ترکیب اقسام تعریف با یکدیگر: در بیش تر موارد، ارائه مجموعه ای از چند قسم مختلف تعریف، به معرفی بهتر آن مفهوم، کمک می کند.

– انتشارات: جمع اثار و نشر (تعریف لغوی)، سازمان عهده دار فرآیند تولید کتاب (تعریف مفهومی) مانند انتشارات مدرسه، انتشارات سمت، انتشارات سروش و... (تعریف از طریق ذکر مصادیق)

نبی: واژه عربی از ریشه نباء، به معنای پیام آور (لغوی)، کسی که از عالم غیب خبر می دهد، معجزه دارد و انسان ها را به سوی اطاعت خدا دعوت می کند (مفهومی) افرادی مانند ابراهیم، موسی، عیسی و حضرت محمد (ص) (تعریف از طریق ذکر مصادیق)

مغالطه تغییر تعریف (عدول از تعریف / عقب نشینی از تعریف):

ملاک و مبنای تعریف یک مفهوم می تواند به زعم خویش تغییر می کند یعنی هنگامی که شخصی برای توجیه اظهارات اولیه خویش هنگام برخورد با موارد نقض و خلاف، معنای کلمات را تغییر دهد. در عالم سیاست و بویژه در رقابت های انتخاباتی، «مغالطه تغییر تعریف» بسیار اتفاق می افتد.

- عبید زاکانی (در رساله دلگشا) نقل می کند : سلطان محمود غزنوی را هنگام گرسنگی، بادمجان بورانی پیش آوردند، خوشش آمد و گفت: «بادمجان طعامی است خوش.» ندیمی در مدح بادمجان فصلی پرداخت و چون سیر شد گفت: «بادمجان چیز خیلی مضری است.» ندیم باز در مضرات بادمجان مبالغاتی تمام کرد. سلطان گفت: ای مردک! نه این زمان مدحش می گفتی؟ ندیم گفت: «من ندیم توام نه ندیم بادمجان، مرا چیزی می باید گفت که تورا خوش آید نه بادمجان را.»

- شما هیچ تجربه ای در مدیریت ندارید. اما من دانش آموخته این رشته هستم و مسئولیت چند گروه دانشجویی را به عهده داشته ام و در چند کارخانه مدیر داخلی بوده ام... منظورم این بود که شما هیچ تجربه ای در مدیریت زمان ندارید، برنامه شما بی نظمی است.

تمرین: نوع تعریف های زیر را تعیین کنید.

۱. عنقا : سیمرغ

۲. کنش اجتماعی : فعالیت آکاهانه، ارادی و هدف دار انسان

۳. پهباد : پرنده هدایت پذیر از دور

۴. نور قرمز : نوری با طول موج هشت انگستروم

۵. روان شناسی شخصیت : روان شناسی ای که با طبقه بندی افراد و مطالعه تفاوت های فردی سروکار دارد

۶. نظام سیاسی : چارچوبی برای اداره جامعه، نظیر مشروطه سلطنتی، دموکراسی و استبدادی

۷. خوراک ایرانی : خوراک هایی مانند آبگوشت، کباب، اشکنه، آش رشته و...

۸. بیماری ویروسی : بیماری همچون آنفلوآنزا، کرونا، اریون و ...

۹. خودنویس : وسیله ای شبیه خودکار، مداد و روان نویس

۱۰. منطق : دانش آموزش شیوه درست اندیشیدن

* شرایط تعریف درست :

آن چه در تعریف از اهمیت بالایی برخوردار است، شرایط تعریف درست است؛ نه نوع تعریف.

هنگام تعریف یک مفهوم، به ویژه در تعریف های مفهومی، لازم است به نکات زیر توجه کنیم :

۱- واضح بودن : در تعریف یک مفهوم باید از واژه های آشنا برای شنونده استفاده کنیم تا قابل فهم و روشن باشد (تعریف باید «جلی» = واضح تر و روشن تر از مورد تعریف باشد) و نباید از واژه های دشوار، نامأنوس تر، مبهم و ابهام دار در تعریف

چون سرکارت با کورت فشار و سوزناک و لولی باید

استفاده کرد چون مخاطب بیش تر گیج می شود (تعریف نباید اخفی = پوشیده تر، مبهم تر و دشوارتر از مفهوم مورد نظر باشد).

مثال ها :

- معماری : موسیقی منجمد (استفاده از تعابیر مجازی و تخیلی)

- زندگی : پرواز تا ابد (استفاده از تعابیر مجازی و تخیلی)

- آتش : عنصری شبیه نفس انسان (استفاده از استعاره و کنایه)

- سخن چین : واهی

یم : قَماقِم

خدا : اسطوقسی فوق اسطوقسات دیگر

خورشید : سکه طلایی آسمان

هلال ماه : گوشواره آسمان

علم : حقیقتی همچون نور

امتداد : بُعد مَفْطور در اجسام

۲- جامع بودن : تعریف باید همه مصادیق و افراد مورد نظر مفهوم را دربرگیرد و کم و کسر نداشته باشد (جامع همه افراد)

اگر تعریف به بخشی از افراد مورد نظر اشاره کند ، جامع نخواهد بود مانند : - فکر : فرآیند معلوم کردن تصورات مجهول (تصدیقات مجهول را نگفته)

- مثلث : شکل دارای سه ضلع مساوی (فقط مثلث متساوی الاضلاع را دربر می گیرد).

- فلز : عنصر هادی الکتریسیته در دمای معمولی «جامد» (شامل «جیوه» نمی شود)

- دانشگاه : مرکزی علمی که زیر نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مدرک علمی اعطا می کند. (شامل وزارت خانه های دیگر نمی شود و به اعطای مدرک خلاصه شده)

- شیعه : مسلمان معتقد به پنج امام (شیعه شامل «اسماعیلیه» و «اثنی عشری» نمی شود)

- خودکار : وسیله نوشتن که به رنگ مشکی است (سایر رنگ ها را دربر نرفته)

- فعل : کلمه ای بر انجام کار در گذشته یا حال دلالت می کند (زمان «آینده» را نگفته)

- منطق : دانشی که به درست استدلال کردن کمک می کند (شامل «تعریف» نشده)

- انسان : حیوان شهرنشین

تعریف غیر جامع / اخفی
اراد اول : (ویرکی است)
اراد دوم : (ویرکی است)
تولید خود